



بررسی تطبیقی فطرت گرایی توحیدی از منظر صاحب نظران مسلمان^۱

هاجر تجاری مقدم^۲، مقصود امین خندقی^۳، سید جواد قندیلی^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی، بحث و بررسی پیرامون تعریف های فطرت گرایی توحیدی از منظر صاحب نظران مسلمان در قلمرو تعلیم و تربیت است. با توجه به اینکه هر یک از صاحب نظران مسلمان در قلمرو تعلیم و تربیت از فطرت گرایی توحیدی تعریفی دارد می توان تعاریف از فطرت گرایی توحیدی را با یکدیگر مقایسه کرد و به یک جمع بندی از تعریف گرایی توحیدی دست یافت. در نتیجه پس از بررسی و مقایسه دیدگاه های صاحب نظران مسلمان پیرامون تعریف از فطرت گرایی توحیدی بیان گردید که وجه تشابه نظرات در این است که فطرت گرایی توحیدی آفرینش و خلقتی ویژه و مختص به انسان ها است و در این زمینه وجه تمایز آدمی با دیگر موجودات مشخص می گردد. ویژگی های این استعداد و سرمایه الهی شامل؛ همگانی بودن در بین تمامی افراد بشر، غیر اکتسابی بودن و ندانستن نیاز به تعلیم و تربیت، ثابت و پایدار بودن آن است و اینکه اگر شرایط رشد و پیشرفت در آدمی وجود نداشته باشد این سرمایه الهی از بین نخواهد رفت بلکه تنها از آن فاصله گرفته می شود و نیاز به یادآوری دارد که در اینجا فلسفه ارسال پیامبران و دیگر اولیای الهی مشخص می شود. در حقیقت، شرایط و عوامل محیطی می توانند فطرت را به فعلیت و شکوفایی برسانند.

کلمات کلیدی: فطرت گرایی توحیدی، بررسی تطبیقی، صاحب نظران مسلمان، تعلیم و تربیت

^۱ این مقاله مستخرج از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد و مورد حمایت پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی این دانشگاه می باشد.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد: tojjarimoghadam.hajar@mail.um.ac.ir

^۳ دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، aminkhandaghi@um.ac.ir

^۴ استادیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد، ghandili@um.ac.ir



مقدمه

یکی از موضوع‌هایی که در قلمرو تعلیم و تربیت دینی مطرح می‌باشد بحث از فطرت، معنا و مولفه‌های آن می‌باشد. مبحث فطرت برای اولین بار در تاریخ فلسفه اسلامی در آراء اخوان الصفا مطرح بوده است. نقطه عطف در سیر تطورات نظریه فطرت در آثار ابن عربی به این خاطر که برای اولین بار چستی فطرت را موضوع مستقل قرار داده است به شمار می‌آید. این نظریه در آراء آیت الله شاه آبادی با تمسک به مقتضیات فطرت، از نوآوری‌های وی محسوب می‌شود. در آثار علامه طباطبایی نیز کارکردهای معرفتی نظریه فطرت به شکلی چشمگیر افزایش یافته و با شهید مطهری به اوج می‌رسد؛ به عبارتی نظریه پردازان‌های شهید مطهری جهشی در سیر تطورات نظریه فطرت به شمار می‌آید (غفوری نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

به صورت کلی فطرت از بنیادی‌ترین مباحث انسان‌شناسی اسلامی و نظام تربیتی اسلامی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و مربیان مسلمان بوده است. فطرت به منزله تقریر دینی از سرشت مشترک انسان نقشی اصلی در قلمرو، تعریف، ارکان، اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی دارد (همتی فر و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۲۷). به تعبیر امروزی، ویژگی‌هایی در انسان هست و تربیت به معنای پرورش دادن استعداد‌های واقعی انسان از جمله استعداد‌های فکری، عقلانی^۵ و عاطفی اوست. از سوی دیگر، مسئله فطرت با مسئله تربیت، خویشاوندی خاصی دارد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷-۱۸). هیچ موجودی مانند انسان آماده ساخته شدن نیست؛ زیرا هیچ موجودی بالقوه آفریده نشده است. انسان سخت شکل‌پذیر، صورت‌پذیر و نقش‌پذیر است و هنگامی که هر صورت و نقشی پذیرفت، با اینکه در ابتدا تغییرش آسان، اما بعدها مشکل است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۸-۹).

توصیفی که هر نظام از انسان و ویژگی‌های آن دارد می‌تواند در این عناصر و مولفه‌ها تاثیر بگذارد. به همین دلیل باید نام تعلیم و تربیت با فطرت انسانی مطابقت داشته باشد تا این سرمایه الهی در وجود بشر پرورش و شکوفا گردد. هدف خداوند از ارسال کتب و انبیاء به این دلیل است که به یادآوری قابلیت‌ها و توانمندی‌های فطری-الهی انسان‌ها بپردازند تا اگر حجاب‌ها و موانعی در مسیر حرکت آن‌ها وجود دارد برداشته شده و بتوانند به شکوفایی فطرت خویش بپردازند؛ چراکه انسان‌ها با توجه به محیطی که در آن قرار دارند امکان فراموشی استعدادها و قابلیت‌های الهی را داشته و نیازمند یادآوری آن هستند. فطرت دارای گرایش‌ها و تمایلاتی از جمله گرایش به خداجویی، علم‌جویی، خردورزی، عشق و ... (ملکی، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹). است که هر یک از این گرایش‌ها در نظام تعلیم و تربیت قابل پرورش دادن است.

این پژوهش درصدد این است که بیان کند تعاریف، ویژگی‌ها و هر آنچه که در ارتباط با مفهوم فطرت گرایانه توحیدی است از منظر صاحب نظران مسلمان چیست و به بررسی و مقایسه آن پرداخته است.

مواضع و دیدگاهها در ارتباط با فطرت گرایانه توحیدی

⁵ Intellectual



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

تعریف های صاحب نظران و اندیشمندان در زمینه فطرت گرای توحیدی بسیار است. هر یک از صاحب نظران از چشم انداز بینش خویش به ابعاد آن توجه می نمایند. اولین افرادی که در میان فیلسوفان اسلامی از شناختن خداوندو گرایش به خدا صحبت نموده اند اخوان الصفا می باشد (امید، ۱۳۸۷، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۶۹). آن ها خدانشناسی را فطری دانسته و امری می دانند که تقدیر الهی در آن نقش اصلی دارد. بنا بر باور آن ها شناخت هویت خدا با آموزش و کسب سرشت نفوس آدمی به دست نمی آید. از منظر اخوان الصفا با ایجاد و فهم جامع دانش ها به شناخت خدا دست خواهیم یافت. و به این موضوع اشاره کرده اند که در مشکلات شناخت فطری آشکارتر می شود و در نهاد شناخته ها میل به سوی علت آن گذاشته شده است و از این بابت این تصور به نظریه گرایش به خداوند به فطرت برمی گردد (اخوان الصفا، ۱۴۲۲ ج ۴: ۵۱ و ج ۳: ۲۹۹، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۶۹).

ابن سینا فطرت را آفرینش ویژه دانسته و به معنی قوه و قوت منحصر به فرد ارزش یابی در نفس است که در زمینه های گوناگون قابل بیان است (نقل در: شمسی، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در اندیشه سینایی " فرایندهای نفسانی و قوا معطوف به ادراک بوده و امور، فطری و غیر اکتسابی است و در ارتباط با تصورات و تصدیقات با تکیه بر برخی دعاوی ایشان امکان فطری بودن وجود دارد" (امید، ۱۳۸۸: ۳۳). نظریه وی به " نظریه فطرت قوا و فرآیندها " مشهور است و با "نظریه فطرت فرآورده های ادراکی یا فطری بودن تصورات و تصدیقات" هماهنگی دارد (ابن سینا، ۱۳۷۵: ۳۴۵، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۶۹).

سهروردی مانند ابن سینا در تألیفات خویش تأکید برنگاشته ای مناسب با گرایش به خدا و شناسایی خدا دارد. گرایش فطری به خداوند در تألیفات شیخ اشراق با ساختار دانسته هایی مانند "عشق فطری انوار سافله به انوار عالیه" در تمامی مراحل هستی جریان دارد (سهروردی، ۱۳۷۵: ۱۳۶ و ۱۳۷، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۷۰). سهروردی فطرت آدمیان را به صورتی می داند که دربرگیرنده عوالم قدسی و دارای مراحل در هستی اند (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۹، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۷۰). همچنین به شناخت خدا که به صورت فطری در آدمی قرار داده شده و به معنی گونه ای خدانشناسی است که از قبل در وجود او گذاشته است توجه ندارد و به آن نیز نپرداخته و از این نظر نگاهی مانند ابن سینا را قبول دارد (مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۷۰).

اولین فردی که به شکل جداگانه در ارتباط با این سؤال که فطرت چیست به طرح مبحث پرداخته ابن عربی است. از منظر او "حضرت حق مبدأ تقوم و منشا وجود موثر حقیقی در وجود است و معالیل و مظاهر امکانی، متقوم به وجود حق و ذات موجودات، مفسوم به وجود حق است". (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۷۰، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۷۰).

در میان فیلسوفان و متکلمین مسلمان در مورد شناخت انسان و حقیقت وجودی او سخن بسیار گفته اند از جمله صدرالمতالیهین شیرازی که در ارتباط با انسان و ابعاد گسترده وجودی اش در جای جای آثار خویش به آن پرداخته است (شیراوند، ۱۳۸۸: ۱). ملاصدرا با توجه به مبنای اصالت وجود و با تعالیم و حیانی، تعریف و تحلیلی درست از انسان ارائه نموده که مبنایی برای برنامه ریزی آموزشی، تربیتی، اجتماعی، اخلاقی و... قرار گرفته است همان طور که امام خمینی (ره) به تعبیر مقام معظم رهبری با نگرش دینی و فلسفی اصول انسان شناسی ملاصدرا را در فرآیند نهضت اسلامی به کار گرفته و در پی تغییر، تحول و اصلاح انسان ها و در کل، جامعه برآمده اند (رسولی شریبانی، جمشیدی راد و خودروان، ۱۳۹۲: ۳۲). انسان شناسی در پرتوی تفکر فلسفی ملاصدرا



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

مبنای نظام اخلاقی و تربیتی جهان اسلام است که وی با تکیه بر اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری و... به ترسیم تربیت‌پذیری تکامل انسان از مرتبه مادی تا خلافت الهی می‌پردازد (همان: ۳۱) البته درنهایت تفکر بنیادی ملاصدرا سینیوی و مشایی بوده و مباحثی از قبیل مسئله قوا و فرآیندهای ادراکی از آن‌هاست (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۹۹، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۷۱).

وی یکی از ابعاد وجودی انسان را فطرت دانسته که آن را عالم صغیر می‌داند و آن نحوه خلقتی است که مختص به انسان‌هاست و با سایر موجودات متمایز می‌گردد (شیراوند، ۱۳۸۸: ۱). هرچند مستقلاً به بیان ادراکات و گرایش‌های فطری نپرداخته اما در میان آثارش اشاراتی داشته است. از جمله اینکه فطرت را به معنای ذات دانسته و این برداشت می‌شود که ادراکات فطری، ادراکاتی ذاتی نفس است و مورد تصدیق ساختمان ذهن انسان‌ها است ((عبداللهی، ۱۳۹۲: ۳۲) در یکی دیگر از آثارش حالت اعتدال روح را فطرت دانسته است که این دو تعریف در ظاهر متفاوت ولی در اصل ناسازگار نیستند زیرا اعتدال روح، ذاتی انسان است و از نظر ملاصدرا نیز حالت اعتدال روح، فطری انسان‌هاست. وی در ارتباط با انسان دو فطرت بدن و روح را در نظر دارد. ملاصدرا خدانشناسی فطری را که از مصادیق ادراکات فطری است به معانی منطقی، علم بسیط به حق تعالی، توجه انسان‌ها به خداوند در سختی‌ها و علم حضوری شهودی نسبت به خدا می‌داند که هر انسانی با توجه به ظرفیتش از این علم برخوردار است (همان: ۴۸ - ۴۹)

ملاصدرا فطرت را به دودسته اولیه و ثانویه معرفی می‌نماید. فطرت اولیه؛ فطرتی است که همه‌ی انسان‌ها از زمان تولد از آن برخوردارند. مطیع بودن و عبادت، ذاتی است که تغییر و تحولی در آن صورت نمی‌گیرد. این فطرت مقدمه و زمینه انسان واقعی شدن را فراهم کرده و در همه انسان‌ها نیز مشترک است (شارجبیان گرگابی و ارشدریاحی، ۱۳۹۵: ۳۴). در تعریف فطرت ثانویه، ملاصدرا آن را ولادت ثانویه نفس دانسته است (صدرای شیرازی، ۱۳۶۶: ۴۰۰، به نقل از شارجبیان گرگابی و ارشد ریاحی، ۱۳۹۵: ۳۳) که عبارت است از به فعلیت رساندن قوای انسان بر اثر ممارست در اعمال که منشأ احوالات مختلفی برای قلب است و پاک‌ی و نورانیت برای قلب آورده و برای پذیرش الهام الهی، وی را آماده می‌کند (صدرای شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۸، به نقل از شارجبیان گرگابی و ارشد ریاحی، ۱۳۹۵: ۳۴) که در حوزه افکار و اعمال انسان‌ها اتفاق می‌افتد و اختیار از ویژگی‌های اساسی این نوع از فطرت است و فرد با انتخابی مختارانه می‌تواند راه سعادت ابدی را در قلمرو فکر و عمل برگزیند. در ضمن اینکه فکر و عمل باید دارای اصالت وجودی بوده و فقط در ظاهر پدیدار نشود بلکه آثار عمیق تربیتی داشته و باعث رشد باطنی انسان گردد. بنابراین درجه بالای این نوع از ولادت ثانویه در قلمرو اندیشه، به مقام حکمت معرفت رسیدن است و در این صورت انسان به نعمتی همچون ایمان برخوردار می‌گردد که در کنار حکمت از رموز موفقیت انسان در زندگی دنیا و آخرت است (همان: ۴۸ - ۴۹).

آیت‌الله شاه‌آبادی از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر در زمینه فطرت تلاش بسیاری نموده‌اند تا برای بسیاری از مباحث اسلام، بنیانی نوین برپا نمایند (همتی فر و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۲۷) ایشان به صورت درون دینی و آمیخته با رویکردی ذوقی و عرفانی و با نظریه‌پردازی فلسفی و عرفانی (غفوری نژاد، ۱۳۹۳: ۲۱) به این مهم دست‌یافته‌اند که باید نقطه عطفی در سیر تطورات تاریخی



نظریه فطرت در نظر گرفته شود (همان: ۳۲) و به همین جهت به فیلسوف فطرت لقب گرفته‌اند (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۶۰). به‌غیراز برهان فطرت افتقار که وامدار از نظریه امکان فقری ملاصدرا است، همچنین برهان فطرت امکان که بازنویسی شده برهان وجوب و امکان بوعلی بوده و فطرت امید نیز در آموزه‌های کتاب وسنت انعکاس یافته است دیگر براهین از نوآوری‌های وی است که سابقه‌ای در سنت فلسفی و عرفانی ندارد. ایشان نبوت عامه و امامت عامه را با تمسک به مقتضیات فطرت به اثبات رسانده است (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰: ۲۸-۴۱، به نقل از مرزوقی وحدادنیا: ۷۳).

به عقیده ایشان اولین قدم در حرکت تکاملی انسان‌ها بیدار کردن فطرت آن‌هاست چراکه هر زمان فطرت از خواب غفلت بیدار گردد در پی خواسته‌ها و کمالات واقعی‌اش و در پرتو نور دین و انفاس قدسی انبیا به سعادت دنیا و آخرت نائل می‌شود. مهم‌ترین اثر ایشان در این موضوع الانسان والفرطه است و به‌صورت مفصل به شرح آیه فطرت در سوره روم پرداخته‌اند (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۶۰ - ۶۱).

از نظر حکیم شاه‌آبادی انسان‌ها مفلورند به چهار چیز؛ "اول حس که به‌واسطه آن، انسان ملکی باشد، دوم خیال که به‌واسطه آن، انسان ملکوتی باشد، سوم عقل که به‌واسطه آن، جبروتی باشد و چهارم عشق که به‌واسطه آن، انسان لاهوتی وفانی در حق گردد" (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). هدف از فطرت الهی، اول عشق است که دارای مراتب غیر منتهایی شدید و ضعیف دارد (همان: ۱۲۸) و دوم علم که مبادی علوم تصویری و تصدیقی در نظرش بدیهی است (همان: ۱۳۲). وی برای فطرت ویژگی‌هایی از جمله همگانی بودن در میان انسان‌ها، غیر اکتسابی بودن، بالقوه بودن، معصوم بودن از خطا و ثابت بودن را در نظر دارند (همتی فر و غفاری، ۱۳۹۳: ۱۲۷) البته این ویژگی‌ها توسط کسانی که در این زمینه تحقیق نموده‌اند نوشته شده است.

مسئله فطرت از مباحث مهم انسان‌شناسی در دیدگاه علامه محمدتقی جعفری نیز بوده و به معنای خلقت اصلی یا ساختمان وجودی انسانی است. از نظر ایشان در ارتباط با داشتن و نداشتن فطرت در انسان بین متفکران بحث و گفتگوهای بسیار است و منکرین فطرت سه دلیل ارائه می‌نمایند؛ ۱- علوم مختلفی نیروها و فعالیت‌های روانی و غریزی انسان مشخص شده و در این میان فطرت یافت نگشته است. ۲- در صورت وجود فطرت ابعاد وجودی آدمی تحول و دگرگونی نمی‌گشت و ۳- اختلاف در تفکرات و رفتارهای انفرادی و اجتماعی افراد فطرت را به‌منزله عامل مشترک نفی می‌نماید. در پاسخ به سؤالات بالا و رفع اشکالات می‌توان گفت فطرت جریان طبیعی و قانونی نیروهایی را دربردارد که در انسان ایجاد می‌شود. واقعیتی به نام فطرت در میان نیروهای غریزی و در روان آدمی وجود دارد، چون کسانی که به وجود فطرت اعتقاد دارند خواهان اثبات یک حقیقت مستقل روانی یا عضوی در درون انسان تا بگویند چنین حقیقتی وجود ندارد، نیستند و هر رویکردی که به انسان توجه دارد در مسیر طبیعی و قانونی خویش از فطرت منشا می‌گیرند. در اشکال بعدی نیز که می‌گوید؛ دگرگونی‌ها و تحولاتی که در ابعاد وجودی انسان است با فطرت سازگار نیست می‌توان گفت با نگاه به ماندگاری مبانی ابعاد انسانی از نظر تغییر و تحول، درست نباشد. مثلاً اصل اندیشه از ابعاد وجودی انسان است که با تغییرات در زندگی بشر متحول نمی‌گردد بلکه مواد خام از تفکر یا موضوعاتی که به قوه تفکر آدمی پیوند دارد به امکان تغییر دارد. اشکال سوم هم بر پایه اختلافات بشر در تفکرات و در رفتارهایش نمود دارد که به انکار فطرت



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

پرداخته به نظر درست نیست چراکه اگر اختلاف انسان‌ها ملاک است نباید سایر ابعاد وجودی انسان را قبول نمود (جعفری، ۱۳۳۷، به نقل از مرزوقی وحدادنیا، ۱۳۹۶: ۷۴).

حضرت امام خمینی (ره) شخصیتی بی‌نظیر در قرون اخیر، رهبر انقلاب اسلامی، مدرس فلسفه، فقیه، متکلم و... (عبدی، ۱۳۸۶: ۴۰۷) هستند. روح سرشار ایشان از چشمه‌سار عارفان و عالمانی هم چون آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی برخوردار گشته است (همان: ۴۰۸). ویژگی بارز و آشکار تفکر تربیتی امام خمینی (ره) تربیتی با محوریت فطرت است و اعتقاد بر این دارند که همه‌ی فطریات انسان به دو فطرت عشق به کمال و فطرت گریز از نقص بازمی‌گردد (بهشتی، ۱۳۹۵: ۱).

از نظر ایشان هدف از فطرت الله که خدا انسان‌ها را بر آن مفسور نموده شکلی از آفرینش الهی است، الطافی الهی که دیگر موجودات یا اصلاً ندارند و یا به‌صورت ناقص از آن بهره می‌برند. در آیه ۳۰ سوره روم دین عبارت است از؛ فطرت الله و شامل توحید و دیگر معارف است اما فطرت تنها درباره توحید نیست بلکه همه‌ی معارف الهی به شکلی است که حق تعالی بندگان را بر آن مفسور نموده است (خمینی، ۱۳۹۲: ۲۰۰ - ۲۰۱).

امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث خویش از فطرت الهی، فطرت بر اصل وجود مبدأ، فطرت بر توحید، فطرت بر استجماع ذات مقدس که همگی کمالات را داراست، فطرت بر روز معاد و رستاخیز (خمینی، ۱۳۹۲: ۲۰۳) که دارای دو مقام یک فطرت عشق به‌راحتی و دیگری فطرت حریت و نفوذ اراده را در این مقام جای‌داده‌اند (همان: ۲۰۸ - ۲۰۹)، فطرت بر نبوت، فطرت بر وجود ملائکه وانزال کتب و روش هدایت که بعضی از احکام فطرت بوده و برخی از لوازم فطرت است و نیز ایمان به خداوملائکه، کتب، پیامبران و روز قیامت؛ دین قییم محکم و مستقیم حق در همه‌ی دوران زندگی سلسله بشر است (همان: ۲۰۳) پرداخته‌اند. به عبارتی فطرت را وضعیتی در نظر دارد که خدا افراد را بر اساس آن آفریده است. ایشان در بین نظرات خود فطرت را شکلی از استعدادها دانسته که در بشر به ودیعه گذاشته‌شده است (مهدی زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

از کسانی که فطرت را پایه مباحث اصلی که فقط با دیدگاه دینی قابل اثبات است و می‌تواند به‌صورت کاربردی به کار گرفته شود (تینا، ۹۴: ۸۰) علامه طباطبایی است. فطرت به معنی نوع آفرینش بوده و امور فطری دارای ویژگی‌هایی از جمله این موارد است؛ در همه افراد یافت شده، همواره ثابت بوده و نیازی به تعلیم و تعلم ندارد (ابراهیمی، بی‌تا: ۳۶). فطریات انسان دارای شناخت‌های فطری از جمله خدانشناسی فطری است و گرایش‌ها و میل‌های فطری مثل خداپرستی نیز فطری است همچنان که شناخت خدا نیازمند آموزش نیست و خدانشناسی فطری است. علاوه بر این گرایش به خدا و پرستش او، خداپرستی نیز فطری است. فطرت خداپرستی گرایش آگاهانه نبوده همان‌طور که فطرت خدانشناسی نیز شناخت آگاهانه نیست و باید برای رسیدن به شناخت و آگاهی تلاش نمود چراکه در ژرفای روح انسان‌ها مایه‌ای برای شناخت آگاهانه خداوند قرار داده‌شده است تا به رشد و شکوفایی برسد (همان: ۳۷).

از نظر ایشان ادراکات فطری ادراکاتی‌اند که همه اذهان به‌صورت یکسان آن را دارند و به‌صورت بالقوه در ذهن همه‌ی افراد است اما به‌صورت بالفعل در بعضی اذهان نیست و یا خلاف آن وجود دارد. فطریات قضایی هستند که برهانشان همراه آن‌ها بوده



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

ودرنفس هیچ وقت حضور قضا یا از حضور براهین و قیاساتشان منفک و جدا نیست. د اصل ادراکات و تصوراتی اند که خاصیت ذاتی عقل است (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۳۴). مثلاً فطرت دل به این معناست که آدمی براساس بنای روحی خویش به خداوند تمایل دارد و در جستجوی خداوند بودن، خواستن و پرستش او به شکل یک گزینه در او گذاشته شده است (همان: ۶۸).

با توجه به نظرات علامه طباطبایی انسان به حکم طبیعت و سرشت الهی خواهان دینی بوده که با فطرت انسانی اش هماهنگ است. در اصل دینی که با نوامیس فطرت و وضعیت آفرینش آدمی مورد توافق است وانسان ها را به سعادت هدایت می نماید همان دین اسلام است چراکه علاوه بر اینکه با خلقت انسان هماهنگ است، راه سعادت را ارائه می دهد (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۲۵). از نظر علامه فطرت نوعی آفرینش خاص در ابتدای تولد انسان به شکل بالقوه است (تینا، ۱۳۹۴: ۸۰). در ادامه بحث ایشان اصل نبوت که یکی از اصول اعتقادی است را مرتبط با فطرت می دانند و همچنین ولایت را چراکه جامعه دینی با دعوت انبیا هويت خویش و هويت سازمان های اجتماعی شان را شکل می دهد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۰۱) و بدین طریق بین فطرت انسان با دین، شرع، نبوت و جامعه ارتباط برقرار می کند (همان: ۱۶۵). این دانشمند مسلمان انسان ها را دارای بینش ها و گرایشاتی می دانند که بن اولیه شناخت انسان هاست و تمایلاتی مثل خدا گرایی، حقیقت جویی، کمال و زیبایی و... باعث حرکت و تلاش برای کسب آن ها در میان انسان ها می شود (سیف، ۱۳۹۵). یکی از ابعاد وجودی انسان که علامه آن را فطری دانسته اخلاق است به این صورت که انسان ها طوری آفریده شده اند که در مسائل نظری و فکری حق و باطل و همچنین خیر و شر را از یکدیگر تشخیص می دهند. مرحوم طباطبایی رابطه بین اخلاق و دین را متقابل دانسته به صورتی که دین ضامن اخلاق و اخلاق نیز ضامن دین است (پاشایی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

استاد مرتضی مطهری اندیشمند ومولف مسلمان بر اساس تفکری سازمان بند و با مبنایی منسجم در این حوزه نظریاتی ارائه نموده اند. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۳۰). از نظر ایشان آدمی دارای اصالت ها و گرایشاتی انسانی در کنار تمایلات حیوانی بوده که به شکل بالقوه است و رشد و شکوفایی آن به وسیله تربیت گرایش های وجودی امکان پذیر است. در نتیجه ایجاد و یا به صورت جدید خلق کردن چیزی مدنظر نیست و انسان ها با وجود داشتن ایمان و حضور عوامل و شرایط درست آموزش و پرورش انسانیت خویش را که به صورت بالقوه و فطری است پیدا می نمایند. وظیفه مسئولین ، شناسایی و تربیت این گرایش های است (همان: ۵۰).

استاد مطهری در جلد پنجم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم به سه راه برای خداشناسی اشاره کرده اند از جمله راه فطرت یا دل، راه حس و طبیعت و راه عقل، استدلال و فلسفه (آبافت، ۱۳۹۵: ۶۲) که از جمله از ویژگی های فطرت می توان به ثبات و تغییرناپذیری به این معنا که سرشت انسان ها را نمی توان عوض نمود و همچنین عمومی و همگانی بودن که در فطریات ادراکی وهم در زمینه فطریات گرایشی است (همان: ۴۰) اشاره نمود. همچنین خاصیتی که به صورت بالقوه در موجودات و آن را استعداد می نامیم سرشتی وغیراکتسابی بودن آن است به صورتی که از محیط گرفته نمی شود و استعدادهایی ماورای حیوانی است و فقط مختص انسان است. همچنین در بین انسان ها مشترک بوده هر چند از حیث فعلیت بخشیدن در بین انسان ها یکسان نیست. ثبات و



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

آگاهانه و برخوردار از تقدس و راهنما بودن برای به رشد و به تکامل رسیدن انسان‌ها از دیگر ویژگی‌های آن است (صالحی یزدی، ۱۳۸۹: ۴۹ - ۵۰).

اعتقاد به وجود فطریات در انسان همواره در قلمرو اندیشه دینی به صورت پیش فرض بوده اما نظریه تبیین‌گر فطریات در حوزه اندیشه اسلامی-شیعی بسط کافی نیافته که استاد مطهری به صورت جدی‌تر و با الهام از معارف دینی-اسلامی و با ملاحظه دستاوردهای فلسفی و علمی نوین به آن پرداخته است (نراقی، ۱۳۷۲: ۲۸) شهید مطهری در دو حیطة شناخت و گرایش فطری انسان‌ها، بانی فلسفی مخصوص به خود دارند که از نگاه صدرایی خود به مباحث خودشناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی است و مهم‌ترین مبنا در گرایش فطری به خدا را حرکت جوهری می‌دانند. استعدادهای فطری اموری بالقوه‌اند که به دنبال سلسله حرکات جوهری رشد می‌یابند. در اصل مبنای نظریه حرکت جوهری اصلت وجود در معنای صدرایی است (شیراوند، ۱۳۸۸: ۶۱) و در شناخت فطری از خداوند مهم‌ترین مبنا نظریه علیت در معنای صدرایی است (همان: ۶۱). با توجه به تفاوت‌های انسان با سایر موجودات از جمله درک کردن جهان خارج و داشتن گرایش‌های خاص در او که در معارف اسلامی همان فطریات است. در بین علما اختلافی در اینکه چیزی بانام فطرت در سرشت آن‌ها وجود دارد نیست.

استاد مطهری در غالب مسائل کلامی از نظریه فطرت استفاده کرده است همچنان که ستون اندیشه استاد بر اساس آن استوار گردیده است از جمله مباحثی مانند منشأ دین و دینداری، خداشناسی، دین و آزادی، دین و اخلاق و... از نظریه فطرت استفاده نموده است. وی در تبیین تفسیر اصلت انسان، خداشناسی، معرفت‌شناسی دیدگاه خود را بر این نظریه استوار نموده است (همان: ۳۹ - ۴۰). ایشان مسئله خداشناسی را مهم‌ترین مسئله کلامی اصل معارف دین می‌دانند. نظریه فطرت روشی خداشناسی است و شامل فطرت عقل و دل می‌شود و اینکه هرکس خودش را بشناسد خدا را نیز شناخته است. در مقابل اصل رستاخیز نیز فطری است؛ بنابراین شناخت و گرایش به خداوند فطری است. شهید مطهری برای اثبات توحید از راه فطرت از آیاتی همچون آیه ذر و پرسش (الست بربکم) که پاسخ بلی گفته شد استفاده نموده است (همان: ۴۱). ایشان در کتاب معروف خود جامعه و تاریخ در باب فطرت می‌فرمایند از نظر قرآن روح اصلت دارد و ماده هیچ تقدیمی بر روح ندارد. نیازهای معنوی در وجود انسان اصلت داشته و وابسته به نیازهای مادی نیست و اینکه شخصیت فطری روانی انسان بر شخصیت اجتماعی‌اش تقدم دارد. (شفیعی، ۱۳۷۶: ۶۸). فطرت به تعبیر استاد مطهری ام المسائل معارف اسلامی است (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۹) و می‌توان گفت یک بحث فلسفی است که موضوعات خدا، جهان و انسان در آن مطرح است. در منابع اسلامی از جمله قرآن و سنت بر اصل فطرت تکیه فراوان شده است. قرآن برای انسان قائل به فطرت است که یک نوع بینش خاص درباره اوست.

در ظاهر، واژه فطرت سابقه‌ای ندارد البته در قرآن مطرح شده است و برای اولین بار نیز درباره انسان به کار برده شده است (همان: ۱۳ و ۱۴). فطریات انسان یک سلسله مسائلی بوده و هست که با مسائل انسانیت مطرح می‌شود. در اینجا این سؤالات مطرح می‌شود که ارزش‌های انسانی چیست؟ آیا ریشه در نهاد و سرشت انسان دارد؟ بدون شک تعلیمات اسلامی بر اساس قبول یک سلسله فطریات است یعنی همه آن چیزهایی که امروز مسائل انسانی و ماوراء حیوانی نامیده می‌شوند و ارزش‌های انسانی نامیده



می شود از نظر معارف اسلامی ریشه‌ای در نهاد و سرشت انسان دارند و اینکه اصالت انسان و انسانیت واقعی انسان در گرو قبول فطریات است (همان: ۳۶ - ۳۷). وقتی می‌گوییم ملاک‌های انسانی فطری است یعنی از ذات انسان می‌جوشد و انسان موجودی است که بذر این ملاک‌ها در عمق وجودش کاشته شده است (همان: ۴۵) مسئله فطریات انسان در دو قسمت قابل تقسیم است؛ یکی در ناحیه شناخت‌ها، درک‌ها و دریافت‌ها و دیگری در ناحیه خواست‌ها و میل‌ها (همان: ۴۷). ایشان شناخت اصول تفکر انسانی را مشترک در میان انسان‌ها می‌داند (شیراوند، ۱۳۸۸: ۹۹) در ناحیه شناخت و دریافت این مسئله است که آیا انسان دارای فطریات یعنی همان معلومات غیر اکتسابی هست و یا خیر (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۷). از نظر استاد خواست‌های فطری دو نوع است؛ جسمی و روحی. مقصود از خواست جمعی تقاضایی است که صد درصد وابسته به جسم است مثل گرسنگی یا خوردن (همان: ۵۹) که مادی و جسمانی است و از سوی دیگر یک سلسله فطریات در ناحیه خواست‌ها و میل‌ها که روانشناسی این‌ها را امور فطری می‌نامند مثل میل به فرزند داشتن و همین‌طور حقیقت‌خواهی، حقیقت‌جویی، مسئله علم و دانایی و کشف حقایق، هنرورزیایی، خلاقیت و ابداع و آفرینندگی و از همه بالاتر عشق و پرستش (همان: ۶۰ - ۶۱).

در امتیاز انسان بر غیرانسان گرایش‌های خاص در انسان است. گرایش‌هایی که نه بر اساس خودمحوری یعنی این گرایش‌ها از خودمحوری بیرون است و اینکه هر انسانی به هر میزان از این گرایش‌ها برخوردار است انسان متعالی‌تری تلقی می‌شود (همان: ۷۱ - ۷۲). از سوی دیگر شکل انتخابی و آگاهانه دارد و به هر حال اموری‌اند که ملاک و معیار انسانیت شناخته می‌شوند (همان: ۷۳)، در ابعاد انسانی انسان هم اگر شرایط تغییر کند گرایش علمی انسان عوض نمی‌شود و گرایش جهلی به وجود نمی‌آید. در نتیجه فطرت انسان مستقل از عوامل اجتماعی و به‌عنوان رهبر، راهنما و تعدیل‌کننده عوامل اجتماعی هرگز نمی‌گذارد جامعه اندیشه‌ها و گرایش‌های انسانی اشکال و مسیرهای ضد فطرت به خود بگیرد (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۶). استعداد‌های موجودات را می‌توان به دودسته اکتسابی و غیراکتسابی تقسیم نمود. استعداد‌های غیر اکتسابی به سه دسته؛ خواص طبیعی که بر مبنای نظریه طبع گرایانه ارسطویی است، استعداد‌های غریزی که در حیوانات مشهور است و استعداد‌های فطری که همان استعداد‌های سرشتی و غیراکتسابی خاص انسان است قابل تقسیم است (صالحی یزدی، ۱۳۸۹: ۴۹). پس در نتیجه مسائل خاص انسان همه اکتسابی نیست بلکه مسائل غیر اکتسابی نیز در انسان وجود دارد که بعضی از آن‌ها ریشه در ساختمان انسان و فطری او است (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۴). همه‌ی استعداد‌های فطری در همه افراد بشر وجود دارد (آروانه و داودی، ۱۳۹۰). در نتیجه از نگاه استاد مطهری انسان‌ها تصور فطری نداشته بلکه تصدیق فطری در معنی تصدیق بدیهی اولیه دارند. به این صورت که گرایش‌های فطری در نهاد انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده که شرایط و عوامل محیطی آن‌ها را به فعلیت و شکوفایی می‌رساند. از سوی دیگر همه‌ی انسان‌ها از استعداد‌های فطری برخوردار بوده و تفاوت فقط در شدت و ضعف استعداد است و افرادی که شرایط رشد آن برایشان وجود نداشته باشد فقط از آن فاصله گرفته‌اند (آروانه و داودی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) و می‌توانند دوباره به مسیر اصلی بازگردند.

از نظر آیت الله جوادی آملی فطرت از ماده فُطَرَ و در لغت به معنی شکافتن، گشودن شیء، ابتدا، ایجاد، اختراع، شکافتن از طول و همچنین آفرینش و خلقت البته آفرینشی که ابتدایی و اختراعی باشد است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۳). کلمه فطرت بر وزن فعله دلالت بر نوع ویژه دارد و در لغت به معنی سرشت و نحوه‌ای خاص از آفرینش و خلقت است که در قرآن فقط یک‌بار و



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

مشقتات آن نیز به شکل‌های گوناگون به کاررفته است. در نتیجه فطرت به معنای سرشت خاص و آفرینش مخصوص انسان است و امور فطری آن چیزی است که نوع آفرینش انسان اقتضای آن را دارد و در بین انسان‌ها مشترک است. از خاصیت امور فطری این است که مقتضای آفرینش انسان بوده، اکتسابی نیست، همه‌ی انسان‌ها آن را داشته و تبدیل‌پذیر نیست اگرچه شدت و ضعف دارد (همان: ۲۴).

از ویژگی‌های فطرت در آراء آیت الله جوادی آملی می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ ۱- آگاهی و بینش فطری و گرایش‌های عملی تحمیلی نبوده بلکه در نهادش قرار دارد. ۲- تغییرناپذیر، ثابت و پایدار است اما احتمال تضعیف شدن دارد. ۳- همگانی و عمومی است. ۴- بینش و گرایش انسان به هستی و کمال محض و مطلق بوده و ملاکی برای تعالی انسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۶ - ۲۷). برای توضیح بعضی از ویژگی‌ها می‌توان گفت فطرت انسان بی‌نهایت طلب است که اگر حاکمیت درون انسان با فطرت است و خزاین آسمان‌ها و زمین را در راه خداوند دهد بازهم تشنه انفاق است و روح انسان فقط در ارتباط با خداوند شکوفا و آرام می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۲۳). در زمینه‌ی حیات و تغییرناپذیری نیز فطرت توحید خداوند از فطرت انسان جدا نیست و نمی‌توان آن دو را از هم بازگرفت. پس مشرکان هم فطرتاً موحدند اما غبارهای بداندیشی و گناه روی فطرت آن‌ها را گرفته و پوشانده است. هیچ فردی قدرت تبدیل و تعویض آن را ندارد (همان: ۱۴۴). فطرت مشرکان خاموش نمی‌شود گرچه فطرت هنگام غلبه طبیعت ضعیف و زبون می‌شود (همان: ۱۴۵). فطرت الهی قیم درونی است و دین شرح همان فطرت است و قیم بیرونی است. در آیه ۳۰ سوره روم به هردو قیم اشاره شده است (همان: ۱۴۶). فطرت قیم کژی ندارد به عبارتی انسان ممکن است از نظر سلیقه، ذوق و فهم کج‌سلیقه، بد ذوق و کندفهم شود اما بدفطرت نیست. آیه ۷ سوره سجده (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ) و همچنین آیه ۳۰ سوره روم (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) بیان شده که دین خداوند قیم و مستقیم است و خدا با فرستادن حجت ظاهری (انبیاء) و حجت باطن (عقل فطری) حجت را بر بشر به پایان رسانده است (همان: ۱۴۷). عبدی در کتاب فطرت که برگرفته از آثار آیت‌الله جوادی آملی است هفت ویژگی امور فطری را عمومیت (همگانی)، ثبات (عدم‌تغییر و تبدیل) (عبدی، ۱۳۹۶: ۴۸ - ۴۹)، تعلق به قلب (نه تعلق به ذهن)، تجرد (غیرمادی)، شکوفایی پذیری، مراتب داشتن (شدت و ضعف) و زنگارپذیری (پوشیده شدن) برشمرده است (همان: ۵۴).

از منظر آیت الله جوادی آملی انسان‌ها موجوداتی بی‌همتا در خلقت آفرینش در کنار داشتن عقل دارای خصیصه فطرت بوده که در صورت قرار گرفتن در مسیر درست و دوری از انحرافات فکری و عملی تمایل به خدا و دین را در خود شکوفا نموده (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵) و در غیر این صورت از پیمودن این مسیر باز می‌مانند و به انحطاط روی می‌آورد همچنان که قرآن فرموده؛ (وَلَوْ كَفَرَ كَالْإِنْعَامِ بَلَّ هُمْ أَضْلاً) و فقط در صورت توجه به بعد فطری به افق اعلی و مقام او ادنی نائل می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۲) انسان با سرمایه خرد و فطرت آفریده شده و دیگر موجودات فاقد آن‌اند چراکه سایر موجودات از جمله حیوانات بر اساس غریزه به سوی هدف آفرینش و خلقت حرکت می‌کنند اما انسان‌ها افزون بر غریزه که برای جذب منفعت‌ها و دفع ضررها حرکت می‌کنند دارای فطرت‌اند (خلیلی، ۱۳۹: ۲۸) انسان فطرتی دارد که با آن می‌توانند در مسیر کمال گام برداشته و به سعادت دنیوی و اخروی دست پیدا نمایند. دین با فطرت هماهنگ بوده و متدین کسی است که فطرت خود را با تعالیم الهی متصل نماید (همان: ۳۸).



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

مفاهیم فطری چه تصویری یا تصدیقی توسط ذهن انتزاع می‌گردد. معنای فطری بودن بعضی قضایای بدیهی این است که ذهن بعد از فهم و درک تصویری اشیاء به واسطه حس پیوند و طرد لازم و ضروری بین آن‌ها را بدون دلیل و با روشنی کامل درک و دریافت می‌کند. حقایق فطری نیز که همان درجات عینی وجود مشهود عین ذات انسان‌هاست و هر روحی حقایق عینی را بالفطره دارا است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۱). انسان با اینکه فطرتاً به توحید و دین‌گرایش دارد اما علمی به این گرایش فطری ندارد، و در نتیجه باید از مراحل از جمله تعلیم، تذکر و رشد فکری عبور نماید و به همین خاطر پیامبران الهی انسان‌ها را متوجه فطرت می‌کردند (همان: ۱۷)

از منظر آیت الله مصباح یزدی واژه فطرت در فارسی به معنای سرشت، مصدر نوعی و دلالت بر نوع خلقت و آفرینش دارد ولی معمولاً چیزی را فطری می‌گویند که نوع خلقت انسان اقتضایش را داشته، خدادادی، غیر اکتسابی و کمابیش مشترک در همه‌ی انسان‌هاست به این معنا که دارای شدت و ضعف است و شامل همه‌ی بینش‌ها و گرایش‌هاست خدادادی است. فطری بودن هم در ادراکات و آگاهی‌هاست و هم در گرایش‌ها، امیال و خواهش‌ها (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۲۶) امیال فطری از واقعیات عینی بوده و جزء قوانین و نوامیس هستی به شمار می‌آید (همان: ۴۹). فطریات قضایایی است که ثبوت محمول برای موضوع به علت واسطه‌ای که به کشفی نیازی ندارد و بدیهی و مسلم است (همان ۲۹) فطرت در ارتباط با خداشناسی، خداپرستی و توحید بسیار کاربرد دارد؛ خداشناسی فطری به معنای این است که انسان‌ها بر اساس آفرینش خویش یک نوع شناخت به خدای تعالی دارند به عبارتی یعنی شناخت عقلی و ذهنی فطری دارای دلیل است اما ذهن احتیاجی به تلاش برای آن ندارد (همان: ۲۸). خداجویی فطری به این معناست که انسان‌ها بر حسب فطرتشان به سوی خداوند گرایش داشته که آن‌ها را وادار به شناخت و پرستش او می‌کنند، خداجویی فطری نیز از مقوله شناخت نیست بلکه گرایش است، یک میل قلبی به خدا که انسان‌ها را به جستجوی خدا برمی‌انگیزاند (همان: ۲۷).

ملکی مفهوم فطرت را در برابر جنبه طبیعی انسان می‌داند. همان‌طور که طبیعت انسان ناظر بر تمایلات و نیازها مرتبط با تطورات و ویژگی‌های جسمانی است، فطرت دارای مجموعه‌ای از گرایش‌ها و شناخت‌های غیر اکتسابی بوده و در انتظار تحقق خارجی، ظهور و شکوفایی است. فطرت از بین رفتنی نبوده بلکه انسان‌ها آن را توسعه و تثبیت می‌کنند و یا به فراموش می‌نمایند (ملکی، ۱۳۹۶: ۵۲). فطرت سرشت خاص انسان است، سرمایه‌ی تکوینی بی‌بدیل که تنها به انسان‌ها اعطاشده است و به همین جهت از سوی خدای متعال تکالیف و وظایف سنگینی بر دوش آن‌ها گذاشته شده است. مقام خلیفه الله نیز در ارتباط با همین ظرفیت و توانایی فطری بشری قابل‌درک است (همان: ۵). چنانچه فطرت انسان به دلایلی ضعیف گردد در واقع راهنمای سرشتی انسان ضعیف می‌شود و در صورت چنین وضعی از جانب راهنمای فطری، به‌درستی پیام‌های راهنمایان بیرونی شنیده نمی‌شود از سوی دیگر هر قدر فطرت قوی باشد و دلالت محکمی برای هدایت انسان داشته باشد باز هم نیازمند به عقل بیرونی و فطرت مجسم به شکل انسان کامل یعنی پیامبران است. توجه دادن به فطرت انسانی روح تعلیمات انبیا است به عبارتی بعثت انبیا در ارتباط با پرورش فطرت بوده است (همان: ۷).



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

از منظر ایشان واژه فطرت از ریشه فطَرَ اشاره به ویژگی خاصی در انسان دارد و در متون اسلامی فراوان به کار رفته است. بعضی از افراد آن را مترادف خَلَق دانسته و برخی بامعنای اختراع و ابداع یاد می‌کنند. از سوی بعضی روانشناسان با واژه آگاهی و حیرت ارائه شده است که البته مورد نظر اسلام نیست (ملکی، ۱۳۹۶: ۴۹). فطرت با واژه‌های طبیعت و غریزه دارای اشتراکاتی است که هر سه دلالت بر خاصیت تکوینی، غیر اکتسابی و در دارای نوعی خاص است که در بین موجودات مشترک است (ملکی و سلیمی، ۱۳۸۹: ۳۵) ولی در ادبیات ما فطرت برای انسان، غریزه برای حیوان، طبیعت برای اشیای بی‌جان به کار گرفته می‌شود. از ویژگی‌های امور فطری با توجه به دیدگاه‌های علما؛ همگانی بودن، فرا حیوانی، غیر اکتسابی، قابل تجربه، استناد به خدا داشتن و تغییرناپذیری را می‌توان نام برد.

از عوامل شکوفایی فطرت به این موارد اشاره می‌کنند؛ تعالیم الهی توسط انبیا و تزکیه نفس بوده که موانع آن نیز غفلت از خویش، وسوسه‌های علمی و شیطانی، پندار گرایی، عقل متعارف، خودبینی و کبر، هوس، دنیاگرایی و زنگار دل است (ملکی، ۱۳۹۳: ۲۹).

مرزوقی و حداد نیا فطرت یا به عبارت دقیق‌تر فطرت انسانی را از مباحث قابل توجه در متون اسلامی می‌داند که به خودشناسی و بلکه به خداشناسی منجر می‌شود. به عبارتی آگاهی در ارتباط با وجود فطرت خدادادی و غیر اکتسابی در انسان منجر به توجه به چگونگی ایجاد معرفت و گرایش خاص به خداوند می‌گردد. واژه فطرت از مفاهیمی است که برای اولین بار در قرآن کریم در مورد انسان به کار رفته است (مرزوقی و حداد نیا، ۱۳۹۶: ۱۶ - ۱۷). این واژه در فارسی در معانی ذاتی، سرشتی، غریزی، درونی، نهادی، جبلی و الهامی به کار رفته است. در روانشناسی معاصر از واژه *Natural Disposition* استفاده می‌نمایند و برای انطباق واژه فطرت با رویکرد اسلامی استفاده از عبارت *Divine Natural Disposition* بهتر است (همان: ۱۷ - ۱۸). در گفتمان‌های فلاسفه غرب واژه *Innate Ideas* معادل ذاتی و فطری است (گوتک، ۱۳۸۷: ۲۶، به نقل از مرزوقی و حداد نیا، ۱۳۹۶: ۱۸). به علاوه فطرت می‌تواند ترکیبی از غریزه و شورش است که ترکیبی از اضداد دربرگیرنده برانگیزنده و نیرو دهنده است. در هر صورت انسان‌ها برای حرکت به محرکی نیازمند که فطرت این محرک است و وی را به مقاصد و اهداف والا راهنمایی می‌کند. برای همین فطرت باید شکوفا شود و به فعلیت دست یابد تا به رسالت خویش برسد (مرزوقی و حداد نیا، ۱۳۹۶: ۱۹).

در متون اسلامی تفسیرهای بسیاری برای فطرت وجود دارد که می‌توان به سه دسته؛ ۱- فطریات مربوط به عقاید که دربرگیرنده اصول عقاید اسلامی از جمله معرفت خداوند و توحید است (مرزوقی و حداد نیا، ۱۳۹۶: ۳۱). ۲- فطریات مربوط به اخلاق از جمله خلقیات مثبت و منفی مثل حالت نفسانی شجاعت و جبن (همان: ۳۳)، پذیرش و اذعان به ربوبیت و خالقیت خدا، قبول دین الهی و تبعیت از پیامبران، تمسک و تبعیت از سیره انبیا الهی و عمل به دستورات دین الهی و ۳- فطریات مربوط به اعمال نیز شامل اعمال دینی مثل خواندن نماز، کوتاه نمودن ناخن (همان: ۳۶)، مسواک کردن و... که با فطریات اخلاقی هم سازگاری دارد.

از منظر مرزوقی و حداد نیا در برخی از ابعاد و آثار فطرت آنچه مسلم است وجوه اشتراک معانی بسیار در متون اسلامی؛ قرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه است. به عبارتی خیر اخلاقی، حقیقت‌جویی، عشق و پرستش، زیبایی دوستی و عشق به معبود



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

در این متون مشترک است و همچنین ابداع و خلاقیت در قرآن کریم، عدالت‌خواهی و آزادی دوستی در نهج‌البلاغه و حب خویشتن، حب دنیا، نسیان و غفلت در صحیفه سجاده به‌صورت خاص و ویژه مطرح گردیده است. آن دسته از اموری که انسان را به قرب الهی راهنمایی می‌کند و از موارد ضروری و بااهمیت در معرفت انسان، نسبت به خدا و بیان کننده توحید و یگانه بودن پروردگار و گرایش ربوبی در انسان است در متون اسلامی مشترک است. نتیجه این است که فطرت به این دلیل که درون انسان دارای بعد حقیقت‌جویی و خیر اخلاقی است معرفت است و چون دارای عشق به معبود و عشق به پرستش و دیدن زیبایی‌ها نیز وجود دارد میل و گرایش است؛ بنابراین در زمره امور فطری در انسان‌ها قرار دارد. در امور اختصاصی و شخصی انسان‌ها یعنی اموری که انسان‌ها در انتخاب آن‌ها مختارند و باراده و اختیار خویش‌بین خوب و بد به انتخاب دست می‌زنند از اموری‌اند که جزو امور ذاتی انسان بوده که بعضی از آن‌ها بازدارنده و مخرب است مثل حب نفس، دنیادوستی، غفلت‌ورزی و بعضی از آن‌ها مثل عدالت‌خواهی، ابداع و خلاقیت، آزادی دوستی پیش برنده و رویشی بوده و انسان را برای رسیدن به درجات بالاتر کمال هدایت می‌نماید (مرزوقی و حدادنیا، ۱۳۹۶: ۱۳۶ - ۱۳۷).

مرزوقی و حداد نیا در یک جمع‌بندی از متون اسلامی معنا و مفهوم فطرت و ابعاد آن را این‌گونه نوشته‌اند؛

۱- فطرت نوعی گرایش الهی، ربوبی و ذاتی بوده که می‌توان بعد الهی ذاتیات انسان تلقی گردد و به این معناست که ذاتیات دارای تنوع و تعدد است یعنی هر امر ذاتی مثل غریزه فطری نیست ولی فطرت امری ذاتی مشترک در همه‌ی انسان‌ها است و همچنین از ابعاد وجودی مهم و راهی برای الهی و تعالی شدن انسان‌هاست که باید زمینه شکوفایی آن فراهم گردیده تا بیدار گشته و فعلیت یابد

۲- فطرت امری بالقوه بوده که باید بالفعل گردد و بالفعلی آن مستلزم بیداری سازی و شکوفایی که شکوفاسازی نیز نیازمند پرورش است و کار پیامبران همین بیدارسازی بوده و در مدل تربیت اسلامی به شکوفاسازی توجه و تأکید دارد (مرزوقی و حدادنیا، ۱۳۹۶: ۱۳۷ - ۱۳۸).

۳- منطق ارسال رسولان تکمیل ولایت الهی تکوینی است و نشان دهنده این است که گرایش و توانایی پیام‌پذیری در انسان‌ها رشد و تعالی انسان‌ها را معنا می‌کند همچنان که فطرت دارای جهت‌گیری الهی و ارزشی است و تنها در شرایط خاص الهی به ظهور می‌رسد. فطرت به‌مثابه مقوله ارزشی خواهان شرایط و بستری ارزش‌مدار است به این معنی که بذر الهی فقط در اقلیم الهی به پرورش می‌یابد به عبارتی در زمین و زمینه فطرت‌گرایی الهی و اجتماعی، فطرت الهی افراد به رشد و توسعه دست می‌یابد. از سوی دیگر هدایت، تربیت و فطرت به شکل درهم‌تنیده‌ای‌اند که آن‌ها را نمی‌توان از یکدیگر جدا نمود.

۴- فطرت در شرایطی ظهور و بروز دارد که نظام اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی است و انسان با عوامل درونی و بیرونی اختیار، اراده، تلاش و از همه مهم‌تر تربیت و با دعوت الهی می‌تواند با برخورداری از حمایت نیروهای مثبت و مقابله با نیروهای بازدارنده فطرت خویش را شکوفا نماید و در مسیر تعالی قدم بردارد.



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

۵- به‌طور کلی و در انتهای سخنان ایشان فطرت را به دو معنا تعریف نموده‌اند؛ یک معنای کلی و عمومی درباره کل نظام آفرینش و خلقت است و این است که خداوند چنانکه فرمود (یسبح لله ما فی السموات والارض ...) این تعریف ویژه، مخصوص انسان نبوده بلکه همه‌ی مخلوقات و کل هستی را مخاطب قرار داده است. معنای دیگر فطرت مخصوص انسان‌هاست چراکه او خلیفه الله بوده و این لقب منحصرأ مربوط به خواص خلقت یعنی انسان است و به‌واسطه شکوفایی فطرت به دست می‌آید (مرزوقی و حدادینیا، ۱۳۹۶: ۱۳۹ - ۱۴۰).

صاحب نظران دیگر از جمله فخر رازی فطرت را به معنای خلقت در نظر داشته و اعتقاد دارد که انسان‌ها از هنگامی که متولد می‌شوند همه‌ی علوم را از جمله علوم حضوری و حصولی نداشته و فطرت انسانی نیز تغییر و تبدیل‌پذیر است (تینا، ۱۳۹۴: ۸۰). فارابی از فیلسوفان جامعه اسلامی که با طبقه‌بندی علوم به‌صورت خاص به معلم ثانی لقب گرفته و از سوی دیگر به جهت دیدگاه خاص خود در ارتباط با دین و فلسفه بنیان‌گذار فلسفه اسلام است. ایشان فلسفه خویش را بر دو اصل فطرت و مدینه فاضله قرار داده‌اند (رستمیان، ۱۳۹۴: ۹۸). زیربنایی‌ترین اصل فلسفه فارابی، فطرت به نظر می‌رسد که در عقل نظری و عملی به کار می‌رود. از نگاه ایشان انسان‌ها تنها در صورتی به کمال می‌رسند که علاوه بر عمل به وظایف، اعمال فضیلت‌آمیز داشته باشند (همان: ۹۹). شریعتی نیز صفاتی مانند خودآگاهی، آزادی و اختیار و آفرینندگی را از اصل فطری انسانی می‌داند (شیراوند، ۱۳۸۸: ۶۴). ایشان اعتقاد دارند که انسان‌ها زمانی که به دنیا می‌آیند با توجه به جامعه‌ای که به دنیا می‌آیند آداب‌ورسوم، فرهنگ و مذهبشان را از آن جامعه دریافت می‌کنند اما هنگامی که به مرحله خودآگاهی برسند می‌توانند با آگاهی و آزادی وجودی خویش همانی شوند که خود می‌خواهند، بر جامعه تأثیر خود را گذاشته و جامعه خویش را می‌سازند (همان: ۹۷).

مقایسه دیدگاه‌های صاحب نظران در ارتباط با فطرت‌گرایی توحیدی

با توجه به مباحثی که در سطوح قبل مطرح گردید می‌توان بیان کرد؛ فطرت از مباحثی اساسی در مبحث انسان‌شناسی و در تعلیم و تربیت است و دارای نقشی بنیادی در قلمرو اهداف، مبانی، اصول و وروش‌های آن است. توصیفی که هر نظام از انسان و ویژگی‌های آن دارد می‌تواند در این عناصر و مولفه‌ها تأثیر بگذارد. به همین دلیل باید نام تعلیم و تربیت با فطرت انسانی مطابقت داشته باشد تا این سرمایه الهی در وجود بشر پرورش و شکوفا گردد. هدف خداوند از ارسال کتب و انبیاء به این دلیل است که به یادآوری قابلیت‌ها و توانمندی‌های فطری-الهی انسان‌ها بپردازند تا اگر حجاب‌ها و موانعی در مسیر حرکت آن‌ها وجود دارد برداشته شده و بتوانند به شکوفایی فطرت خویش بپردازند؛ چراکه انسان‌ها با توجه به محیطی که در آن قرار دارند امکان فراموشی استعدادها و قابلیت‌های الهی را داشته و نیازمند یادآوری آن هستند. فطرت دارای گرایش‌ها و تمایلاتی از جمله گرایش به خداجویی، علم‌جویی، خردورزی، عشق و ... است که هر یک از این گرایش‌ها در نظام تعلیم و تربیت قابل پرورش دادن است.

در نتیجه در حوزه تعلیم و تربیت و به ویژه در برنامه درسی مبتنی بر فطرت‌گرایی توحیدی باید عناصر و مولفه‌های آن از ۱- جامعیت، انسجام و پیوستگی برخوردار باشد. به صورتی که در این عناصر و مولفه‌ها به همه‌ی ابعاد فطرت توجه شود. ۲- دارای



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

نوآوری و خلاقیت باشد و از انعطاف لازم برخوردار گردد. ۳- باید به نیازها و توانایی های متریبان توجه ی بیشتری شود. ۴- همه ی عوامل و دست اندرکاران اجرایی باید با مشارکت همدیگر برای دست یافتن به هدف غایی آن تلاش نمایند.

نظرات صاحب نظران مسلمانی که در ارتباط با فطرت نظریاتی ارائه نموده اند، در قالب جدول ۱. خلاصه وار نشان داده شده

است.

جدول ۱. مقایسه مؤلفه های فطرت از منظر صاحب نظران مسلمان

صاحب نظر	مؤلفه های فطرت	واژه و معنای فطرت	خصایص و ویژگی های فطرت	انواع و اقسام فطرت	تفاوت فطرت با دیگر مفاهیم	عوامل و موانع شکوفایی فطرت	فطرت و تعلیم و تربیت	فطرت و برنامه درسی
فرازی	در عقل نظری و عملی به کار می رود انسان ها تنها در صورتی به کمال می رسند که علاوه بر عمل به وظایف، اعمال فضیلت- امیز داشته باشند.							
ملاصدرا	- عالم صغیر - ذات - حالت اعتدال روح			اولیه و ثانویه - فطرت اولیه - فطرت ثانویه، همان ولادت ثانویه				
علامه طباطبائی	نوعی آفرینش		همگانی - ثابت - عدم نیاز به تعلیم و تربیت	- شناخت های فطری مثل خدانشناسی فطری - گرایش ها و میل های فطری مثل خدابردستی				
شهید مطهری	از ماده فاعل، ط، ز - به معنای نوع، یعنی گونه - آفرینش بدون سابقه		- دارای ثبات - تغییرناپذیری - همگانی بودن	- شناخت ها، درک ها و دریافت ها - خواست ها و میل ها	- فطرت مختص انسان و مانند طبیعت و غریزه امری تکوینی است؛ اما از غریزه آگاهانه تر است. - به کارگیری لغت طبیعت و طبع در مورد بی جان هاست و لغت غریزه بیشتر در مورد حیوانات به کار می رود.	عوامل منجر به از خود بیگانگی: - سوء استفاده کردن از اختیار - گناهان مثل خود پرستی و شهوت پرستی - نادانی و غفلت از فلسفه وجودی خود - داشتن اهداف انحرافی که منجر به گم کردن خود می شود.	اگر انسان دارای یک سلسله فطریات است، قطعاً تربیتش باید با در نظر گرفتن آن فطریات صورت گیرد و تربیت به معنای رشد و پرورش سلسله استعدادهاست.	
آیت الله شام آبادی	داشتن حس، خیال، عقل و عشق در وجود آدمی		- غیر آکناسی بودن - بالقوه بودن - معصوم بودن از خطا - ثابت بودن - بی نیاز بودن به تعلیم و تربیت - خارج بودن از عوامل جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی - عدم توقف، بلکه امکان گاهش در رشد و پیشرفت آن.	مدرک فطرت نامیده می شود و در مقابل، لوازم وجود غیرمدرک طبیعت است	تربیت فطرت گرا دارای دو وجه است که از یک سو به منزله مکمل هدایت تکوینی و هماهنگ با فطریات انسان باید مورد نظر باشد و از سوی دیگر باید از هرگونه تربیت سونی که باعث خدشه و ایجاد حجاب بر گرایش ها و ادراکات فطری انسان می شود، خودداری نمود.			



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

صاحب نظر	مؤلفه های فطرت	واژه و معنای فطرت	خصایب و ویژگی های فطرت	انواع و اقسام فطرت	تفاوت فطرت با دیگر مفاهیم	عوامل و موانع شکوفایی فطرت	فطرت و تعلیم و تربیت	فطرت و برنامه درسی
علامه محمد تقی جعفری	خلقت اصلی یا ساختمان وجودی انسانی							
امام خمینی	شکلی از آفرینش الهی		همگانی بودن در بین انسان ها - هیچ طایفه ای از دیگری ممتاز و برتر نیست؛ - گرچه در مراتب و مدارج تفاوت داشته باشند	- فطرت بر اصل وجود مبدا - فطرت بر توحید - فطرت بر اجتماع ذات مقدس - فطرت بر روز معاد - فطرت بر نبوت و وجود ملائکه و انزال کتب - عشق به کمال مطلق، عشق به علم مطلق، حیات مطلقه، اراده مطلقه و ...	دیگر موجودات با اصلاً ندارند و یا به صورت ناقص از آن بهره می برند.	از راه های شکوفایی فطرت: - تعلیم الهی توسط انبیاء - تزکیه نفس، ریاضت و تقوا از موانع شکوفایی فطرت: - غفلت - وسوسه علمی - بندارگرایی موانع عملی شامل خودبینی و تکبر، هوس مداری و دنیاگرایی، زنگار دل	اساس تربیت بر فطرت استوار بوده و حقیقت تربیت اساساً شکوفاسازی قابلیت ها و توانمندی های فطری است. خداوند با این هدف پیامبران را برای تربیت بشر فرستاد تا به یادآوری و شکوفایی فطرت بپردازند.	
ایستاد جواد املی	از ماده فطرت در لغت به معنی شکافتن، گشودن شیء، ابتدا، ایجاد، اختراع، شکافتن از طول و همچنین آفرینش و خلقت، البته آفرینشی که ابتدایی و اختراعی باشد.		- مقتضای آفرینش انسان است - اکتسابی نیست. - همگانی است - تبدیل پذیر نیست؛ اگرچه شدت و ضعف دارد.	فطرت سرشت آفرینشی ویژه است که غیر از طبیعت است؛ چرا که در همه موجودات جامد و بدون روح حیوانی نیز است و نیز غیر از غریزه است که در حیوانات به صورت کلی و در انسان ها در بعد حیوانی موجود است.			انسان ها با وجود اراده و عقل دارای نقصان وجودی بوده و با تعلیم دینی می توانند به کمال برسند. به همین جهت با ارسال دین توسط خداوند روشی به آن ها معرفی می شود تا رهنمون سعادت شوند. در اصل فطرت همه انسان ها چنین است که با جهاری که دارند به سمت هدف خاص خود کوشش می نمایند.	
ایستاد مسباح بزدی	سرشت، مصدر نوعی و دلالت بر نوع خلقت و آفرینش دارد؛ ولی معمولاً چیزی را فطری می گویند که نوع خلقت انسان اقتضای آن را داشته باشد.		- خدادادی - غیر اکتسابی - کمابیش مشترک در همه انسان ها	همه ی پیش ها و گرایش خدادادی هم در ادراکات و آگاهی هاست و هم در گرایش ها، امیال و خواهنش ها.	غریزه خودش به شکوفایی می رسد و در حیوانات بسیار واضح است؛ ولی فطرت منشأ کمالات معنوی است و باید آن را شکوفا کنیم و پس از اینکه امور فطری شناخته شد، به آنها باید عمل نمود.			
ملکی	از ریشه فطرت سرشت و ویژگی خاصی در انسان سرمایه ای بی بدیل - مختص انسان ها		شناختها و دریافتها شامل گرایش ها و استعدادهایی نیز هست، از جمله گرایش به پرستش، گرایش به حقیقت جویی، گرایش به اجتماع، گرایش به ایجاب و خلافت، گرایش به زیبایی گرایی و ...	فطرت با واژه های طبیعت و غریزه دارای اشتراکاتی است که هر سه دلالت بر خاصیت تکوینی، غیر اکتسابی و دارای نوعی خاص است که در بین موجودات مشترک است؛ ولی در ادبیات ما فطرت برای انسان، غریزه برای حیوان، طبیعت برای انشایی بی جان به کار گرفته می شود.	از عوامل شکوفایی فطرت: تعلیم الهی توسط انبیاء و تزکیه نفس است که موانع آن نیز غفلت از خویش، وسوسه های علمی و شیطانی، بندارگرایی، عقل متعارف، خودبینی و کبر، هوس، دنیاگرایی و زنگار دل است.		هدف نهایی تربیت در اسلام، الهی گشتن آدمی و دست یازیدن او به حیات پاک است؛ برنامه درسی فطری - معنوی باید دارای جامعیت، تعادل، معنویت، انسجام و پیوستگی، آیه بینی، نوآوری و خلافت، معلم محور، خودسازی و خودیادگیری مادام العمر و ... باشد	
مرزوقی و حدادنی	- ذاتی - سرشتی - غریزی - درونی - نهادی - جبلی - الهامی		- غیر اکتسابی - زوال ناپذیر - فراگیر - ملامت تعالی - عمومی بودن - غیر قابل تعبیر	سه دسته: ۱- فطریات مربوط به عقاید ۲- فطریات مربوط به اخلاق ۳- فطریات مربوط به اعمال (عملی) که با فطریات اخلاقی هم سازگاری دارد.			تعلیم و تربیت فطرت محور به نوعی ضرورت و بازگشت به پیمان الهی و تقطعی اتصال انسان به وحی منزل است و کار تربیت اسلامی این اتصال بوده و به محکم کردن فطرت و هدایت می پردازد. فطرت برای شکوفایی به هدایت و تربیت نیازمند است.	



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

در کل، هریک از صاحب‌نظران با توجه به دیدگاه خاص خود (با توجه به دیدگاه فلسفی، عرفانی، اخلاقی، اسلامی و ...) در ابعاد مختلف به شرح نظریه فطرت مدنظرش پرداخته است و می‌توان گفت که اکثر صاحب‌نظران واژه فطرت را آفرینش و خلقتی ویژه خداوند دانسته‌اند که با سایر موجودات متمایز است. فطرت مانند واژه‌های طبیعت و غریزه به صورت تکوینی است و دارای تفاوت‌هایی با غریزه است. به طور مثال، فطرت از غریزه آگاهانه‌تر است؛ یعنی افراد می‌توانند بدانند که یک سلسله فطریات دارند. واژه فطرت در ارتباط با انسان‌ها به کار می‌رود؛ ولی طبیعت در بین اشیای بی‌جان کاربرد داشته و غریزه هم در حیوانات رایج‌تر است. ویژگی‌های فطرت نیز شامل همگانی و عمومی بودن و مشترک بودن در بین تمامی افراد بشر، غیراکتسابی بودن و نداشتن نیاز به تعلیم و تربیت، ثابت و پایدار بودن و ... است. گرایش‌های فطری شامل حقیقت‌جویی، خداجویی، زیبایی‌جویی، تعقل و خردورزی، ابداع و خلاقیت و ... است. این فطریات در تمامی انسان‌ها وجود دارد؛ اما تنها تفاوت آن‌ها در شدت و ضعفشان است؛ یعنی اگر شرایط رشد و پیشرفت وجود نداشته باشد، فقط از آن فاصله می‌گیرند و از بین نخواهند رفت. فلسفه فرستادن پیامبران و امامان نیز بیدارسازی و شکوفایی این گوهر الهی در وجود آدمی است تا افراد در پرتوی نور آن در پی خواسته‌ها و کمالات واقعی حرکت کرده و به سعادت دنیا و آخرت نائل گردند. در حقیقت، شرایط و عوامل محیطی می‌توانند فطرت را به فعلیت و شکوفایی برسانند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان گردید در این مقاله مفهوم فطرت گرای توحیدی از منظر افراد مختلفی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به یافته‌های به دست آمده به ویژه در منابع اسلامی، اکثر صاحب‌نظران از آن تعبیر به "ام‌المعارف/اسلامی" می‌کنند و بر این باورند که صحبت‌ها در این زمینه بسیار است اما از عمق وجودی و ابعاد وسیع آن سخنی ارائه نشده است و یا کسانی هم که در زمینه‌های مختلف به آن می‌پردازند نظریاتی که ارائه نموده‌اند برخلاف آن است. مسئله فطرت به جهت ارتباط تنگاتنگ آن با ماهیت انسان و انسان‌شناسی از یک‌سو و پیچیده و مشکل بودن ماهیت انسانی "از سوی دیگر، از موضوعاتی است که مورد توجه اکثر صاحب‌نظران است (حمیدی نژاد، ۱۳۹۱: ۹-۱۰).

"فطرت که آفرینش ویژه به شمار می‌رود، اصلی‌ترین سرمایه و برترین ره‌توشه‌ای است که خداوند عالم، انسان را از آن نعمت بزرگ که سرشت خداشناسی آمیخته با گرایش و دلپذیری حق‌طلبی است بهره‌مند ساخته و همواره وی را به حفظ و حراست آن سفارش می‌کند. به صورت کلی فطرت گرای توحیدی در تربیت دینی به معنای شکوفایی و رشد همه‌ی استعدادهای فطری-الهی در وجود آدمی است که محیط و شرایط پیرامون آن دارای تاثیر فوق‌العاده‌ای است. همان‌طور که دین اسلام معرفتی جامع از آدمی دارد. همان‌طور که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند هر نوزادی با فطرت خود که همان یگانگی خداست آفریده می‌شود و این عوامل و عناصر محیطی‌اند که او را متحول نموده و به تباهی می‌کشانند. امام علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه می‌فرمایند، "خدا پیامبران را برانگیخت و پیاپی بین مردم فرستاد تا بشر را به ادای پیمان فطرت وادارد و نعمت‌های فراموش‌شده خدا را یادآوری کنند و با فعالیت‌های تبلیغی خود نیروهای نهفته و استعدادهای پنهان مردم را برانگیخته و به کار اندازند. به عبارتی دیگر اصلی‌ترین و مطمئن‌ترین معلم و مربی بشر درون‌مایه‌های خود اوست زیرا قوانین جاودانگی حیات طیبه و جوهره الهی در طبیعت بشر به ودیعه



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

نهاده شده است و بر اثر رجعت به این منبع است که می‌توان به تربیت صحیح دست‌یافت" (حیدری، ۱۳۷۴). به همین دلیل باید از همان دوران طفولیت زمینه کشف، پرورش و به تحقق رسیدن آن فراهم گردد.

منابع

- آبافت، مژگان (۱۳۹۵). بررسی سیر تحول نظریه فطرت در کلام امامیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی گرایش کلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران.
- آروانه، بهزاد؛ داودی، محمد (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی فطرت در آثار استاد شهید مطهری. مجله معرفت کلامی. سال دوم، شماره یکم، ۱۰۱-۱۲۶.
- ابراهیمی، عبدالجواد (بی‌تا). درآمدی بر آموزش عقاید استاد محمدتقی مصباح یزدی. جلد یکم، قم، انتشارات دارالعلم.
- امید، مسعود (۱۳۸۸). بازخوانی نظریه فطرت ادراکی ابن‌سینا. مجله خردنامه، شماره پنجاه و هفتم. ۳۳-۴۱.
- بهشتی، محمد (۱۳۹۵). جایگاه فطرت در اندیشه تربیتی امام خمینی (ره). دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره یکم، ۱-۲۱.
- بی‌نام (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. ۱-۴۵۰.
- پاشایی، الهام (۱۳۹۳). بررسی مسأله فطرت و ابعاد معرفتی آن از دیدگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته کلام، دانشکده الهیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز.
- تجلی، عبدالرحیم؛ سقای سعیدی، جواد (۱۳۹۳). ضرورت بازنگری در نظام برنامه‌ریزی کلان تعلیم و تربیت (مقدمات دین در حوزه فرهنگ و تعلیم و تربیت)، خبرگزاری مهر، ۱۴/۴/۱۳۹۳.
- تصدیقی، محمدعلی؛ تصدیقی، فروغ (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزشی ایران جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (رحمه‌الله).
- تینا، بارمان (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای دیدگاه‌های فخر رازی با علامه طباطبایی درباره فطرت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه حکمت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). فطرت در قرآن. تفسیر موضوعی قرآن کریم، تنظیم و ویرایش محمدرضا مصطفی پور، جلد دوازدهم، چاپ یکم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). تنسیم، تفسیر قرآن کریم، ویرایش سعید بنی‌علی. جلد یکم، چاپ هفتم، قم، انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). فطرت در آئینه قرآن. مجله انسان پژوهی دین. سال هفتم، شماره بیست و سوم، ۵-۲۸.
- حمیدی نژاد، زهره (۱۳۹۱). فطرت از دیدگاه علامه طباطبایی (ره). پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- حیدری، حمیدرضا (۱۳۷۴). اقدام به تربیت با الهام از طبیعت و فطرت گزارشی از سخنرانی مدیرکل آموزش و پرورش بوشهر به مناسبت هفته پیوند، پرتال جامع علوم انسانی، مجله پیوند، شماره صد و نود و پنجم، ۲۳۵-۲۳۷.



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

- خلیلی، مصطفی (۱۳۹۵). دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره انسان در قرآن (تفسیر آیه فطرت). دو فصلنامه تخصصی علوم قرآن و تفسیر. سال یکم، شماره دوم، ۲۱-۴۰.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). ویرایش دوم، چ پنجاه و هفتم، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، انتشارات معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رستمیان، محمدعلی (۱۳۹۴). نقش فطرت و جامعه در نیل به فضایل اخلاقی از دیدگاه فارابی. پژوهش‌نامه حکمت و فلسفه اسلامی، سال سوم، شماره پنجم، ۸۳-۱۰۲.
- رسولی شریبانی، رضا؛ جمشیدی راد، محمدصادق؛ خودروان، حسن (۱۳۹۲). تبلور انسان‌شناسی صدرایی در نهضت امام خمینی (ره). دو فصل‌نامه علمی-پژوهشی حکمت صدرایی، ۳۱-۴۲.
- سیف، صفورا (۱۳۹۵). فطرت از دیدگاه متفکرین متأخر شیعه (علامه طباطبایی، مطهری، جوادی آملی، مصباح یزدی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی.
- شارجبیان گرگابی، هاجر؛ ارشد ریاحی (۱۳۹۵). نقش فطرت در معناداری زندگی از دیدگاه صدرای شیرازی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی انسان پژوهی دینی. سال سیزدهم، شماره سی و پنجم، ۲۹-۴۹.
- شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰). شذرات المعارف. تصحیح و تحقیق بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش‌پژوهان، چ یکم، نشر ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، تهران، انتشارات زنان مسلمان.
- شفیعی، محمد (۱۳۷۶). پژوهشی پیرامون فطرت مذهبی در انسان. چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شمسی، سمیه (۱۳۹۰). مناسبات فطرت و اخلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف (اخلاق)، دانشکده فلسفه و معارف اسلام، دانشگاه باقرالعلوم.
- شیراوند، هدیه (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی نظریه فطرت از دیدگاه ملاصدرا، استاد مطهری و دکتر شریعتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- صالحی یزدی، مطهره (۱۳۸۹). فطرت از دیدگاه شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم. جلد دوم، چاپ هفتم، انتشارات صدرا.
- عبداللهی، راضیه (۱۳۹۲). بررسی نظرات تفسیری ملاصدرا و علامه طباطبایی در باب فطرت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- عبدالعلی‌زاده، آزاده (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی عناصر چهارگانه و رویکرد کلان حاکم بر سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظر متخصصان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه فردوسی مشهد.



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

- عبدی، حسن (۱۳۹۶). فطرت برگرفته از آثار آیت‌الله جوادی آملی. چاپ یکم، قم، انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء.
- غفوری نژاد، محمد (۱۳۸۹). تظر تاریخی فطرت در فلسفه و عرفان اسلامی. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی. سال هشتم، شماره بیست و چهارم، ۱۰۵-۱۴۰.
- غفوری نژاد، محمد (۱۳۹۰). نقش فطرت در اثبات مبدأ در منظومه معرفتی حکیم شاه‌آبادی. پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت)، سال نهم، شماره دوم، ۲۱-۳۸.
- مرتضوی، علی حیدر (۱۳۸۷). فیلسوف فطرت نگاهی به احوال و افکار عارف حکیم آیت‌الله‌العظمی محمدعلی شاه‌آبادی (قدس سره)، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی.
- مرزوقی، رحمت اله؛ حداد نیا، سیروس (۱۳۹۶). فطرت بنیاد تربیت رویکردی به تعلیم و تربیت اسلامی. چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). فطرت از نظر قرآن و فلسفه. مجله رشد-آموزش معارف اسلامی، شماره بیستم و بیست و یکم، ۲۳-۲۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). فطرت. چ سیزدهم، تهران، انتشارات صدرا.
- ملکی، حسن (۱۳۸۹). نقد و ارزیابی مبانی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخص‌های فطرت. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۸، ۳۲-۶۱.
- ملکی، حسن؛ سلیمی، جمال (۱۳۸۹). طراحی برنامه درسی میان‌رشته‌ای در حوزه آموزش عالی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره دوم، شماره ۴، ۳۹-۶۸.
- ملکی، حسن (۱۳۹۳). نظریه فطری-معنوی در برنامه درسی. از مجموعه سمینارهای تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.
- موحدی محصل توسی، مرضیه؛ مهرمحمدی. محمود؛ صادق زاده. علیرضا؛ نقی زاده. حسن (۱۳۹۲). نقد طبقه‌بندی موجود از رویکردهای تربیت دینی و ارائه یک طبقه‌بندی مفهومی جدید، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۷-۱۵۸.
- ملکی، حسن (۱۳۹۶). هویت دینی برنامه درسی جستاری در نظریه اسلامی برنامه درسی، چاپ یکم، انتشارات آییژ.
- مهدی زاده، مهدی (۱۳۸۸). فطرت در قرآن و احادیث با رویکردی به نظر امام خمینی (ره)، پژوهش‌نامه متین، دوره یازدهم، شماره چهل و چهارم، ۱۵۱-۱۷۶.
- نراقی، احمد (۱۳۷۲)، مطهری و نظریه فطرت. مجله کیهان، شماره دوازدهم، ۲۸-۳۸.
- وقاری زمهریر، زهرا، امین خندقی. مقصود، سعیدی رضوانی. محمود، چ، موحدی محصل طوسی. مرضیه (۱۳۹۵). تبیین برنامه درسی تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تکلیف‌گرا. مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال ۶، شماره ۲، ۸۲-۱۰۶.
- هاشمی. حسین (۱۳۷۸). مطهری و فطرت در قرآن. شماره هفدهم، ۳۰-۵۵.



اولین همایش ملی مدرسه فردا



The First National Conference on Future School

- هاشمی، آسیه (۱۳۹۵). فطرت از دیدگاه علامه طباطبایی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- همتی فر، مجتبی؛ غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت مبتنی بر رویکرد فطرت (تربیت فطرت گرا) با تأکید بر دیدگاه آیت الله شاه آبادی: مدل سازی فطرت با هرم سه وجهی. *مجله مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*. سال چهل و ششم، شماره نود و سوم، ۱۲۷-۱۵۴.

- Lemu. B. Religious Education in Schools: Ideas and Experiences from around the World, A Holistic Approach to Teaching Islam to Children: A Case Study in Northern Nigeria. pp 33 – 38.
- Ornstein, A, C. & Hunkins, F. P. (2016). *Curriculum: Foundations, principles, and issues*. Seventh Edition, United States: Pearson Education.